

**درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی**

موضوع کلی: قاعده حرمت اهانت به مقدسات  
 تاریخ: ۲۹ فروردین ۱۳۹۷  
 موضوع جزئی: ادله قاعده\_ دلیل ششم (آیات) بررسی اشکالات استدلال  
 مصادف با: ۱ شعبان ۱۴۳۹  
 به آیه ۷۰ سوره اسراء\_ اشکال سوم و چهارم  
 جلسه: ۱۱

**﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾**

جلسه گذشته دو اشکال به استدلال به آیه «و لقد کرّمنا بنی آدم» برای اثبات حرمت اهانت به مقدسات عند کل قوم و عدم جواز آن ذکر شد و هر دو اشکال پاسخ داده شد.

**اشکال سوم**

آنچه که شما می فرمایید دو بخش دارد، یک بخش آن در واقع ادعایی کردید ولی دلیلی برای آن اقامه نکردید، یک بخشی که شاید بتواند دلیل برای ادعای شما هم باشد ولی فی الواقع یک مسئله دیگر است و ماهم قبلاً به آن اشاره کردیم این است که گاهی از انسان ها رفتارهایی سر می زند که استحقاق مجازات و تنبیه پیدا می کنند، یا عقایدی در او شکل می گیرد که مستلزم مجازات های خاص ارتداد می شود، لذا در واقع شما اصل کرامت ذاتی را پذیرفته اید اما می گوئید ملازمه ای با عدم جواز هتک به مقدسات ندارد.

**پاسخ**

در مورد این اشکال هم جلسه گذشته توضیح دادیم وقتی می گوئیم انسان کرامت ذاتی دارد به این معنا است که انسان بماهو انسان و به واسطه برخی قوا و استعدادها و عواطف و احساسات و تمایلاتی که در وجود او است، یک موقعیت و نقش متمتازی نسبت به سایر موجودات پیدا می کند و برنامه هدایت الهی هم در همین چهارچوب است، از جمله آن مسایلی که جزء مؤلفه های کرامت ذاتی انسان است (علاوه بر آزادی و اختیار و اراده، که خود این ها دارای اهمیت ویژه هستند)، این است که فی نفسه به خاطر انسان بودن محترم است و حقوقی دارد لذا این احترام باید حفظ شود و حقوق او رعایت شود. انسان به آنچه که متعلق به اوست و اضافه به او پیدا کرده مثل مال و آبرو و جان و عقاید و افکار علاقه دارد و سعی در حفظ این ها می کند، یعنی حریمی برای انسان بماهو انسان به خاطر همین کرامت ثابت شده که این حریم در رابطه با حیوانات نیست، حفظ این حریم از لوازم همان کرامت است و تعدی به این حریم صحیح نیست، حال اینجا بالاتر از تعدی به حریم امور مادی است، هتک مقدسات چیزی است که انسان این را به هیچ وجه نمی پذیرد، یعنی یک حیوان شاید با اهانت خیلی انس نداشته باشد و شاید نتواند بفهمد که اهانت یعنی چه (گرچه در حیوانات هم یک مرتبه ای وجود دارد، حتی در بعضی از گل ها و گیاهان لحن خطاب قرار دادن آن ها تأثیر در رشد و عدم رشد آن ها دارد) ولی انسان اینطور نیست. اگر ما اصل آن کرامت ذاتی را پذیرفتیم و برخی حقوق را مولود آن کرامت دانستیم طبیعتاً ورود به این حریم و تعدی به این حقوق و هر کاری که منافعی با این کرامت باشد مسلماً مطلوب نیست.

البته هتک و اهانت به عقیده غیر از نقد و اشکال به عقیده است، آنچه ما می‌گوییم جایز نیست هتک است و إلا اشکال کردن به عقیده و نقد کردن و دلیل بر خلاف آن آوردن هیچ اشکالی ندارد، اما اگر شما چیزی را که تقریباً جزء متعلقات انسان است مورد تعرض قرار دهید او عکس‌العملی نشان می‌دهد، همان‌طور که اگر به حریم اموال او تعرض شود. مگر این خانه مثلاً متعلق به ذات او است، خانه یک اضافه‌ای به او پیدا کرده است، بشر نسبت چیزهایی که به او اضافه و نسبت پیدا می‌کنند یک حساسیتی دارد، حتی برخی از اهل فن گفته‌اند که علت اصلی حب مادر به فرزند این است که می‌گوید فرزند من است، لذا این حساسیت و عشق را نسبت به فرزند دیگری نمی‌بینید، ریشه آن هم حب ذات است، پس همه چیزهایی که پیرامون انسان است به واسطه تعلق و اضافه‌ای که به انسان دارد و به خاطر حب ذات برای او ارزش دارد. عقاید و مقدسات هم همین است.

سوال:

استاد: نفس کریم و نفس لئیم، نفس اماره و نفس لوامه، این‌ها شعبه‌های مختلف وجودی انسان هستند ولی وقتی خداوند متعال می‌گوید «لقد کرمتنا بنی آدم» یعنی به انسان با وجود اشتغال بر همین دو شعبه و بعد از نفس کرامت عطا شده است. فرض ما هم این بود که کرامت بالفعل عطا شده است نه استعداد آن. ما مسئله را فراتر از این گرفتیم و دایره را وسیع‌تر کردیم، به خاطر عقل، اراده و آزادی و اختیار و حق انتخاب، همه این‌ها از چیزهایی است که به انسان متعلق بوده و انسان به واسطه آن کرامت ذاتی پیدا کرده است و لذا توقع دارد تکریم شود، ولی ما نمی‌گوییم کسی که جنایت می‌کند تکریم شود. یک انسان متعارف مثلاً اگر عقیده خاص و فاسدی دارد که برای او مقدس است، اگر شیئی مورد علاقه او باشد و آن را دوست داشته باشد، شما این را از او بگیرید و یا آن را از بین ببرید، چقدر موجب تکدر و ناراحتی و کدورت خاطر برای او می‌شود؟ قطعاً این کار با تکریم و بزرگداشت او سازگار نیست، مقدسات هم حکم محبوب انسان را دارند و چه بسا شدت ناراحتی و عکس‌العمل او در برابر اهانت به مقدسات قابل مقایسه نیست با چیزی که در رابطه با مال او پیش می‌آید، می‌خواهیم ببینیم اینکه شما می‌فرمایید ملازمه نیست، اگر ما اصل کرامت ذاتی را پذیرفتیم و این تفسیر را برای کرامت ذاتی کردیم، قهراً هر کاری که منافی با این کرامت باشد مردود است یا خیر؟

به هر حال ما دامنه کرامت را بیان کردیم که شامل هر چیزی است که از قوه عاقله ناشی می‌شود. بالاخره مقدسات او به زعم خودش از قوه عاقله او ناشی شده است و طبق آیه قرآن این زینت برای او محسوب می‌شود و این یک گزینه است برای انسان که نسبت به آنچه برای او زینت است حساس است، مرحوم علامه هم می‌فرماید که این حس غریزی است که نسبت به اهانت به آنچه که زینت برای او محسوب می‌شود عکس‌العمل نشان می‌دهد این جزء کرامت‌های ذاتی انسان است.

می‌خواهم عرض کنم وقتی شما کرامت ذاتی را بپذیرید، خواه و ناخواه با هر چه که منافی با این کرامت ذاتی باشد و این کرامت ذاتی را زیر سوال ببرد قطعاً نباید سر سازگاری داشته باشید، وقتی خداوند متعال در برنامه هدایت خودش همین کرامت ذاتی را ملاحظه می‌کند. ما به طریق اولی باید رعایت کنیم، وقتی خداوند در ایمان تحمیل نمی‌کند، ما هم باید

این‌گونه باشیم، وقتی پیامبر تحمیل نمی‌کند ما هم باید این‌گونه باشیم، معنای «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» چیست؟ بالاخره شما یک‌وقت می‌خواهید این را هدایت کنید، می‌گوییم راهش این نیست، آثار سوئی که اهانت به مقدسات یک فرد گمراه و حتی بت پرست می‌گذارد، به آن کاری نداریم، قطعاً اثر ضد تبلیغ و ضد هدایت دارد و او را بیشتر بر باطل خود مصمم می‌کند، ما بحث پذیرش عقاید او را نداریم، می‌گوییم این جزء مقتضیات کرامت ذاتی انسان است که مقدسات او و آنچه که زینت برای او محسوب می‌شود و آنچه که محبوب او است، حداقلش این است که مورد اهانت و هتک قرار نگیرد.

اما راجع به افرادی که گفتید، عرض کردیم که جنایتکاران، خاطیان، متجاوزین به حقوق و حدود دیگران، این‌ها استثنائاتی هستند که برای حفظ کرامت جامعه، کرامت آن‌ها فدا می‌شود، یعنی آنجا هم همان کرامت ذاتی جامعه انسانی مد نظر است، این‌گونه نیست که ما بتوانیم به هر کسی اجازه دهیم با آزادی عمل به هر نحوی که می‌خواهد زندگی کند ولو به قیمت تحدید آزادی‌های دیگران، به تحمیل اراده خود به دیگران و در معرض خطر قرار دادن کرامت دیگران، در چنین مواقعی حفظاً لحق المجتمع محدودیت‌هایی برای او ایجاد می‌شود و این هم مآلاً برای حفظ همان کرامت ذاتی نوع انسان و جامعه انسانی است.

سوال:

استاد: دزدی یعنی کسی به حریم دیگران و حقوق و حدود دیگران تجاوز کند، تجاوز به حدود و حقوق دیگران قهراً آثار و مجازات‌هایی دارد که قابل توجیه است، اما در مورد کفر گاهی کسی خودش به چیزی معتقد است مثلاً بتی برای او مقدس است و تلاش برای انحراف دیگران نمی‌کند اما گاهی کسی است که وارد عرصه می‌شود و تلاش می‌کند تا دیگران را به سمت باطل بکشد، ما کلی بحث می‌کنیم، می‌گوییم کسی که خودش اعتقادی دارد و عقیده‌ای برای او مقدس است و تلاشی هم برای انتشار این آلودگی و ویروس به دیگران نمی‌کند، قهراً حساب این فرق می‌کند با کسی که مبلغ و مروج کفر است و برای انتشار این آلودگی و ویروس تلاش می‌کند، قهراً اگر برای نفر دوم محدودیتی اعمال شود منافاتی با کرامت ذاتی ندارد ولی گروه اول و نفر اول را ما نمی‌توانیم برای او محدودیتی ایجاد کنیم و او بالاخره به عنوان انسان حقوقی دارد که باید رعایت شود. آنوقت در مسئله هتک مقدسات که مسئله دیگری است چه ربطی به مسئله دزدی دارد.

سوال:

استاد: کرامت خود را نقض کرده است یعنی اینکه این شخص تعدی به حدود دیگران کرده است و لذا مجازاتی برای او مقرر شده است، ما گفتیم کرامت ذاتی مطلق نیست و این طور نیست که هیچ حد و مرزی نداشته باشد، حتی اگر منجر به و از بین بردن کرامت دیگران شود، ما می‌گوییم این حد و مرز دارد، در مورد کفر هم می‌گوییم کفر دو دسته است،

کفر کسی که خودش به یک عقیده باطل و کفر آمیز معتقد شده است، فرق می‌کند با کسی که خودش معتقد است و عقاید کفر آمیز را ترویج می‌کند.

شما برای افکار و اندیشه‌های باطل مجازات قائل هستید؟ همه این‌ها ناشی از رسوباتی است که بر اساس همین دیدگاه غالب شکل گرفته است، ما می‌گوییم دزدی یک مجازاتی دارد، کفر فی‌نفسه مجازات ندارد، مرتد مجازات دارد که آن هم جای بحث دارد، ما نمی‌خواهیم موارد نقض را بحث کنیم، ممکن است در برخی از موارد نقض به مشکل هم برخورد کنیم، ولی کفر فی‌نفسه مجازات ندارد، کسی کافر به دنیا آمده است و کافر هم هست. در جایی آمده که این شخص را به زور مسلمان کنید؟ آیا مجازات و کیفر برای این آدم در نظر گرفته شده است؟ البته مجازات اخروی و خلود در نار برای او مقرر شده است که به آن مبتلاء می‌شود، اما آیا در اینجا برای او مجازات در نظر گرفته شده است؟ آیا شما می‌توانید این آدم را از بین ببرید و نابود کنید؟ کرامت دارای جلوه‌هایی دارد، اگر کسی بخواهد با این کرامت مقابله کند و آن را نادیده بگیرد، بالاخره باید دلیل داشته باشد... شما ببینید چه مقدار از این کارها را می‌توانیم در مقابل یک کافر داشته باشیم؟

سوال:

استاد: مشکل اصلی این است که شما همگی در اشکالات خودتان بر اساس دیدگاه اول اشکال می‌کنید و می‌گویید انسان دارای کرامت ذاتی نیست، این‌ها همه زاییده آن نگاه است.

عرض بنده این است که در ایرادات شما دو مشکل اصلی وجود دارد:

۱. اینکه از آن دیدگاه نمی‌توانید فاصله بگیرید. یعنی وقتی می‌خواهید اشکال کنید زیر ساخت‌های فکری شما بر این اساس استوار است که ارزش انسان به خاطر ایمان و تدین و اسلام و تقوا و امثال این‌ها است، قهراً وقتی این دیدگاه را داشته باشید از این اشکالات پیش می‌آید، لذا گفتم یک قدم عقب‌تر برویم، ببینیم انسان کرامت ذاتی دارد یا نه؟ اگر پذیرفتیم انسان بماهو انسان یک کرامت‌هایی دارد و از طرف خدا بزرگ داشته شده است و این یک حقوقی را برای انسان بماهو انسان ایجاد می‌کند، آن‌گاه مسئله متفاوت می‌شود.

۲. مشکل دوم که شما گرفتار آن هستید این است که وقتی می‌خواهید اشکال کنید به سراغ موارد نقض می‌روید، این هم به نوعی به همان مشکل اول مربوط می‌شود، همه این‌ها زاییده همان دیدگاه چیره و غالب است.

اگر با این نگاه که انسان کرامت ذاتی دارد، وارد ادله شویم و با یک نگاه و چهارچوب فکری تازه این ادله را بررسی کنیم، نتیجه دیگری بدست می‌آید. به نظر ما این الگو و ارها و پارادایم‌ها باید اصلاح شود، همان برداشت‌ها در ذهن شما رسوخ کرده است، یعنی برای شما کآن برداشت‌هایی که شیخ طوسی و مشهور دارند مفاد ادله است، گمان می‌کنید آنچه شهود می‌گویند قطعی است و اگر بخواهید آن را تغییر دهید تحمیل نظر خود به ادله است. همه تلاش ما اینجا این

است که ما اگر این را تثبیت کنیم، که برای انسان بماهو انسان با هر عقیده و ملتی یک شأنی قائل باشیم و حقوقی را برای او به رسمیت بشناسیم، خیلی مسائل فرق می‌کند.

شما به اخلاق اجتماعی اهل بیت نگاه کنید، یک سری اصول اخلاقی دارند که مخصوصاً بر آن تاکید می‌کنند و می‌گویند و می‌گویند: این‌ها را در برخورد با دیگران رعایت کنید چه کافر و چه مسلمان، مثلاً می‌گویند: به عهد خود پایبند باشیم ولو طرف شما کافر باشد، اگر امانتی از کافر گرفتید باید این امانت را به او برگردانید. بنده می‌خواهم بگویم یک نگاه وجود دارد که اهل بیت (ع) نسبت به انسان‌ها با قطع نظر از عقیده آن‌ها یک توصیه‌هایی دارند و این یک حقوقی را برای آن‌ها ایجاد کرده است.

بنده در جایی بحثی داشتم در مورد پنج اصل اخلاقی عمومی که ائمه هم از نظر قولی و هم از نظر عملی به آن‌ها توصیه کرده‌اند و عمل نموده‌اند. که این پنج اصل شامل همه انسان‌ها می‌شود، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، محبت کردن به دیگران، احسان، حال شما می‌گویید مصلحت اقوی دارد، به هر حال هرچه هست این یک سیره و روش است. همین کارها بود که مردم جزیره العرب را جذب اسلام کرد، برای اینکه خدا این‌گونه می‌خواهد ملت‌ها و مردم را جذب کند و از کفر و باطل خارج کند، اگر غیر از این باشد که جذب نمی‌شوند، پیامبر با این شیوه جذب کرد، اهل بیت با این شیوه چقدر افراد را متحول کردند.

سوال:

استاد: اصلاً بحث احترام به بتها نیست، ما می‌گوییم نباید هتک مقدسات شود. عرض ما این است که هنوز همان مسئله اصلی برای شما حل نشده است و طبق مفروض خود اشکال می‌کنید.

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» اشاره به مراتب کرامت دارد. ما هم معتقد هستیم انسان متدین متقی اکرم از بقیه است و کرامت او بیشتر است و شکی نداریم، حتی در برخی ادله آمده که انسان‌هایی که به این مرتبه می‌رسند دارای حقوق ویژه‌ای هستند و این متعارف و عقلایی است.

مگر ما می‌گوییم لازمه کرامت ذاتی این است که عقاید او مقدس باشد؟ ما بین کرامت ذاتی و تقدس عقاید او ملازمه برقرار نکردیم، ما نتیجه نمی‌گیریم از کرامت ذاتی که عقاید او مقدس است. ملازمه‌ای که ما ادعا می‌کنیم بین کرامت ذاتی و عدم جواز هتک آن چیزی است که نزد خود او مقدس است. ما این را ادعا می‌کنیم، ما نمی‌خواهیم از این نتیجه بگیریم که عقاید او مقدس است، ما می‌خواهیم بگوییم نتیجه کرامت ذاتی این است که ما حق نداریم به مقدسات نزد او که حتی باطل هم می‌باشد، هتک کنیم.

پس اشکالاتی که شما دارید ناشی از یک مشکل اصلی است، اینکه ائمه، انبیاء با انحراف مبارزه می‌کردند تردیدی در آن نیست، ما نمی‌گوییم که حق نداریم با انحراف مبارزه کنیم و یا عقاید باطل و بطلان آن‌ها را آشکار نکنیم، بحث انحراف و مبارزه با انحراف یک چیز است، سردمدار مبارزه با انحراف اهل بیت بودند و با فرقه‌های انحرافی مبارزه

می‌کردند و مردم را آگاه می‌کردند، روشن می‌کردند ولی هتک مقدسات غیر از مبارزه با انحراف است، شما این‌ها را ملازم هم می‌گیرید، اشکال ما طلبه‌ها این است که فکر می‌کنیم اگر فحش بدهیم به مقدسات کسی یعنی با انحراف مبارزه می‌کنیم اگر فحش ندهیم با انحراف مبارزه نمی‌کنیم.

سوال: خود قرآن کرامت را از این‌ها نفی کرده و می‌گوید: «لا یعقلون» یعنی اهانت می‌کند.

استاد: لا یعقلون غیر از لا عقل له است، این‌ها تفکر و تعقل نمی‌کنند نه اینکه عقل ندارند، اگر عقل نداشتند که حیوان بودند. مسئله عقل داشتن غیر از تفکر کردن است، به کار انداختن عقل یک چیز است و عقل داشتن یک چیز دیگر است. پس این آیه دلیل نشد، لا یعقلون یعنی لا یتفکرون، یعنی از آن چیزی که خداوند به آن‌ها داده است استفاده نمی‌کنند تا حقایق را درک کنند.

شما ممکن است بگویید پس چرا در بعضی از موارد خدا در قرآن فرموده «اولئک کالانعام بل هم اضل»، و نمونه‌هایی از این قبیل، این را هم قبلاً جواب دادیم و در تفسیر هم آورده‌اند که این ممکن است به نظر ما یک هتک باشد ولی در واقع این یک تشبیهی است برای گم‌شدگی و حیرت و سرگشتگی، مفسرین هم این را بیان کرده‌اند، اینکه می‌گوید مثل آن‌ها هستند «بل هم اضل» وجه شبهه را روشن می‌کند، یعنی راه گم کرده و یک زندگی مطابق غریزه حیوانی بدون اینکه مقصدی داشته باشند.

لذا این‌ها به حسب عرفیات و موارد فرق می‌کند، این را قبلاً هم بیان کردیم، یک چیزی ممکن است جایی هتک شمرده نشود ولی همین رفتار و همین سخن در شهر دیگر یا جمع دیگر هتک شمرده شود، اینکه نزد عرف هتک باشد یا نباشد مهم است. ما کاری به این مصادیق نداریم، آنچه که مورد نظر است هتک قطعی است، یعنی واقعاً هتک شمرده شود، با آن معنایی که برای هتک کردیم و اول بحث گفتیم، آیا واقعاً انسان بماهو انسان، انسان متعارف (نه یک جنایتکار حرفه‌ای و ...)، آیا هتک این منافات با کرامت ذاتی ندارد؟ اگر ما اصل کرامت ذاتی را پذیرفتیم که آیه دلالت می‌کند، معلوم است که عدم جواز هتک از لوازم آن است.

به هر حال از شئون کرامت ذاتی انسان این است که آنچه که به او اضافه پیدا می‌کند برای او محترم است و ما باید از کاری که به نوعی منافات با این کرامت ذاتی داشته باشد اجتناب کنیم، این اقتضاء می‌کند که هتک مقدسات او جایز نباشد.

سوال:

استاد: صاحب جواهر در مورد مرتد که توبه او قبول نیست و باید اعدام شود، می‌گوید: قبل از اعدام هر بلایی می‌شود سر او آورد چون ارزش و احترام ندارد و... باید دید آیا واقعاً این‌گونه است؟ این خود اول بحث است. ما نمی‌توانیم خطاکاران را در غیر مورد محکومیت مورد اذیت قرار دهیم به این بهانه که او محترم نیست پس هر اذیتی برای او رواست این منطق قابل قبول نیست.

«والحمد لله رب العالمین»